



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

Volume 1, Issue 3, 2023

War Crimes in Afghanistan's Criminal Law with a Look at Iran's Criminal Law

Islamuddin Hamdel¹, Kiomars Kalantari^{*2}

1. Ph.D Student, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran.

1. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 11-23

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-9624-1559

TELL: +98111123338

Email: kalantar@nit.ac.ir

Article history:

Received: 04 Jun 2023

Revised: 23 Jul 2023

Accepted: 23 Agu 2023

Published online: 23 Sep 2023

Keywords:

War Crimes, Types of War Crimes, Afghanistan and Iran Criminal System.

ABSTRACT

War crimes are those which may happen at the national and international level. These include the crimes which violate human values and flagrantly violate international rights and rules in the form of armed conflicts. To prevent the war crimes, international conventions and organizations have written and signed statutes such as statutes of international criminal court (ICC) due to somehow prevent war crimes in the future. Most of counties criminalized war crimes in their rules of law. War crimes were not in Afghanistan's rules of law as a crime until 2017, but when criminal code was submitted in 2017 the war crimes have been criminalized. War crimes have not criminalized in Iran's criminal Law, so criminals are prosecuted as ICC rules. Since Afghanistan and Iran countries have similarities and differences in their legal systems which have not been less paid attention to them, in this paper, the author have explained above issues, in detail and also try to explain war crime's elements, examples, surrounding circumstances.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Hamdel, I & Kalantari, K (2023). "War Crimes in Afghanistan's Criminal Law with a Look at Iran's Criminal Law" . *Journal of International Criminal Law*, 1(3): 11-23.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه حقوق جزای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

دوره اول، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

جنایات جنگی در حقوق کیفری افغانستان با نگاهی به حقوق کیفری ایران

اسلام الدین همدل^۱، کیومرث کلانتری^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
۲. استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسؤول)

چکیده

جنایات جنگی آن دسته از جرایمی بوده که ممکن است در سطح ملی و بین‌المللی اتفاق بی‌افتد و جرایمی را شامل می‌شود که ناقض ارزش‌های بشری و ناقض فاحش حقوق و قواعد بین‌المللی آن هم به طور مشخصات مسلحانه می‌باشد. کنوانسیون‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به منظور پیشگیری از واقعات جنایات جنگی، اساسنامه‌های را مثل اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری تدوین و به امضاء رسانیدند تا باشد به نحوی جلو جنایات جنگی را در آینده‌ها گرفته باشند. از همین لحاظ قواعد حقوقی اکثر کشورهای ملل، جنایات جنگی را در نظام کیفری خود نیز جرم‌انگاری نموده‌اند. جنایات جنگی تا قبل از سال ۱۳۹۶ در قوانین کیفری افغانستان پیش‌بینی نشده بود، اما با تصویب کود جزا در سال ۱۳۹۶ جنایات جنگی مورد جرم‌انگاری قرار گرفت. جنایات جنگی در حقوق کیفری ایران به صورت مستقل جرم‌انگاری نشده و مرتکب جنایات جنگی را مطابق به اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مورد رسیدگی قرار می‌دهد. بنابراین از آن‌جاییکه نظام حقوقی کشور ایران و افغانستان دارای تفاوت‌ها و شباهت‌ها بوده، که کمتر به آن پرداخته شد در خصوص مورد در این مقاله تلاش شده ضمن تبیین مسأله فوق به سؤالاتی چون ارکان، مصادیق، شرایط تحقق و جایگاه جنایات جنگی در نظام حقوقی ایران و افغانستان، به صورت علمی پاسخ ارائه گردد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۱-۲۳

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکاید: ۱۵۵۹-۹۶۲۴-۰۰۰۲-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۱۱۱۲۳۳۳۸

ایمیل: kalantar@nit.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۵

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

جنایات جنگی، انواع جنایات جنگی، نظام کیفری ایران و افغانستان.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

جرایم در بُعد کلی از آغاز تدوین بشریت تا به امروز دوشادوش انسان‌ها مسیرهای پرتلاطم خود را طی کرده که از آن جمله یکی، جنایات جنگی بوده است. تاریخ بشری در هیچ دوره زمانی به صورت دوامدار خالی از درگیری‌های نظامی که مولد جنایات جنگی است نبوده و به مثابه سایه، بنی‌آدم را همراهی کرده است. جنگ‌های که هزاران سال دوام داشته و تأثیرات آن تا امروز قابل مشاهده می‌باشد. از نظر فلاسفه مانند ارسطو و افلاطون جنگ یک حقیقت واقعی و نیاز بشری عنوان شده و ارسطو صلح را غایت جنگ به شمار آورده است (ازغندی و روشندل، ۱۳۷۸: ۴۱). نظام‌های حکومت‌داری به اشکال استبدادی و افراد قدرت طلب به منظور رسیدن به اهداف استبدادانه، آتش جنگ را شعله‌ور ساخته و مردم بی‌دفاع را سپر و ابزاری برای تداوم و استمرار حاکمیت خویش قرار داده‌اند. جنایات جنگی تنها از طریق بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها، اعتصاب و تظاهرات به صلح نمی‌انجامد، هر چند شاید موارد فوق کمک کننده برای صلح باشد، ولی ایجاد نظام‌های مردم‌سالار از طریق فعالیت‌های سازمان‌یافته ملی و فراملی و تعامل دولت‌ها با همدیگر می‌تواند آینده بشریت را با آرمان صلح تضمین کند.

جامعه بشری با استفاده از تجربیات تاریخی خواسته است آسایش و امنیت عمومی را از طریق معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی به صورت نسبی تأمین نماید. نهادهای بین‌المللی بشردوستانه شاید بتوان گفت که یکی از ابزارهای مؤثر جهت تکوین مستمر قواعد حقوقی با ضمانت اجرای آن به منظور دفاع از غیر نظامیان در حالات جنگ باشد، چون وجود محدودهای نظامی و رعایت اصول و معیارهای انسانی در هنگام جنگ می‌تواند کمک کننده برای جلوگیری از جنایات جنگی باشد. بنابر همین ملحوظ و اهمیت جنایات جنگی در جامعه بشری، می‌بایست نظام حقوقی

کشورها را مبنی بر پیشگیری و قواعد جزایی برای مرتکبین جنایات جنگی مورد بررسی قرار داد. لذا در این تحقیق به صورت تطبیقی جایگاه حقوقی قواعد جنایات جنگی را در نظام حقوقی کشور ایران و افغانستان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱- مفهوم شناسی جنایات جنگی

جنایات جنگی در قوانین موضوعه کشور ایران و افغانستان به صورت واضح تعریف نشده و قانونگذار فقط با بیان مصادیق جنایات جنگی بسنده کرده است. لذا مجبوریم به خاطر مفهوم‌شناسی جنایات جنگی از اسناد بین‌المللی مثل عهدنامه لاهه، اساسنامه نورنبرگ، اساسنامه دادگاه یوگوسلاوی (سابق) و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو کمک بگیریم. عهدنامه لاهه در سال ۱۹۷۷ برای اولین بار جنایات جنگی را بیان داشته و نقض قوانین و عرف‌های جنگی را از جمله جنایات جنگی عنوان نمود (جواری، ۱۳۹۳: ۱۲۳). اساسنامه نورنبرگ در بند ب ماده شش، جنایات جنگی را چنین تعریف می‌نماید: «جنایات جنگی عبارت است از تبعید سکنه یا بدرفتاری با غیر نظامیان مناطق و نواحی اشغالی به هدف کار اجباری یا به اهداف دیگر، بدرفتاری، قتل یا اعدام زندانیان و گروگان‌ها، غارت و غصب اموال خصوصی یا عمومی بدون جهت، و یا هر نوع تخریبی که ضرورت نظامی آن را ایجاب نکند» (یوسفیان، ۱۳۸۳: ۲۵۵-۲۵۶). از طرف دیگر می‌توان نقض فاحش ارزش‌ها و قواعد بین‌المللی حقوق بشردوستانه را جنایات جنگی دانست (پوربافرانی، ۱۳۹۰: ۲۳۹-۲۴۰).

بنابراین می‌توان جنایات جنگی را به صورت کلی و جامع چنین بیان داشت: «جنایات جنگی عبارت است از عدم احترام به آداب و رسوم جنگی و خصوصاً نقض ارزش‌ها و قوانین جنگی بوده و برخورد ناشایست با مردم بی‌گناه، قتل عام، نقض حقوق اسیران، ویرانی‌های عمدی روستاها و شهرها».

۲- انواع جنایات جنگی

از آن جاییکه ممکن است جنایات جنگی در دو حوزه ملی و بین‌المللی اتفاق بی‌افتد، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری با تبعیت از این واقعیت، جنایات جنگی را به دو دسته کلی (جنایات جنگی بین‌المللی و جنایات جنگی غیر بین‌المللی) تقسیم نموده است. بنابراین در این قسمت از مباحث هر یک از نوع جنایات جنگی را مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهیم.

۲-۱- جنایات جنگی بین‌المللی: این نوع از جنایات خود به دو دسته جداگانه به شرح زیر تقسیم می‌شود.

۲-۱-۱- نقض‌های قبیح: قسمت (الف) بند (۲) ماده (۸) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نقض فاحش موارد مذکور را از جمله جنایات جنگی به شمار آورده است که شامل کشتار عمدی، رفتار غیر انسانی، شکنجه، فراهم آوردن صدمه شدید جسمی، ضبط و تخریب گسترده اموال، اجبار اسرای جنگی، محروم نمودن اسرای جنگی به صورت عمدی، تبعید، حبس یا انتقال غیر قانونی و گروگان‌گیری می‌شود (پوربافرانی، ۱۳۹۹: ۲۴۲-۲۴۱).

۲-۱-۲- نقض عرف و قوانین بین‌المللی: قسمت (ب) بند (۲) ماده (۸) اساسنامه مذکور رفتارهای زیر را از جمله نقض عرف و قوانین مسلم بین‌المللی به شمار آورده است: (هدایت حملات بر ضد اهداف و علیه غیرنظامیان به صورت عمدی، جهت‌دهی حملات بر ضد خادمان تأسیسات یا وسایل کمک‌رسانی، انجام حملات عمدی که با علم به تلفات غیرنظامیان می‌انجامد، بمباران مناطق مسکونی و شهرها، کشتن رزمندگان بدون سلاح یا زخمی نمودن آن، سوءاستفاده از نشان‌ها و پرچم، انتقال جمعیت غیر نظامی به مناطق اشغال شده، هدایت حملات بالای اماکن مذهبی، آموزشی به صورت عمدی، در معرض خطر نقص بدنی یا انواع آزمایش طبی قرار دادن و...).

۲-۲- جنایات جنگی غیر بین‌المللی: اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری منظور از جنایات غیر بین‌المللی را نقض فاحش ماده (۳) چهارگانه کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو دانسته است. یعنی نقض هر یک از موارد مذکور را شامل جنایات غیر بین‌المللی محسوب کرده است: (خشونت علیه جسم و جان، قتل، قطع عضو و شکنجه، تجاوز علیه کرامت انسان، گروگان‌گیری، اعدام بدون حکم قبلی و...) (قدیر و کیخسروی، ۱۳۹۸: ۸۰-۸۱).

۳- شرایط تحقق جنایات جنگی

تحقق هر جرمی شرایط مختص خودش را می‌طلبد، یعنی جرایم زمانی اهلیت فعل مجرمانه را می‌گیرد که شرایط تحقق آن وجود داشته و در متون حقوقی و قوانین موضوعه پیش‌بینی شده باشد، بنابراین از آن جاییکه موضوع بحث ما جنایات جنگی می‌باشد، از همین لحاظ شرایط تحقق این جرم را مورد بررسی و مطالعه قرار خواهیم داد.

۳-۱- از حیث زمانی: یعنی رفتارهای که جنایات جنگی محسوب می‌شود، وقتی اعتبار دارد که در زمان شروع مخاصمات و درگیرهای نظامی ارتکاب یافته باشند. از طرف دیگر شرط مجازات اعمال جنایات جنگی مرتبط بودن آن با وضع مخاصمات می‌باشد در واقع، رفتارهای که شامل جنایات جنگی می‌شود باید به هنگام جنگ ارتکاب یافته باشند.

۳-۲- از حیث مکانی: یعنی اینکه جنایات جنگی مثل جرایم موضوعه داخلی کشور نیست، بلکه حوزه جنایات جنگی فراتر از مرزها ممکن است کشانده شود، لذا به هدف اجرای عدالت صرف‌نظر از موقعیت ارتكابی جنایات جنگی، مرتکب مجازات خواهد شود. هرچند که کشورها نظر به صلاحیت جهانی و صلاحیت سرزمینی، صلاحیت رسیدگی را خواهند داشت.

۳-۳- از حیث فاحش بودن: یعنی اینکه جنایت جنگی زمانی معنی پیدا می‌کند که مستلزم (نقض فاحش) باشد. گاهی برخی از نقض‌ها، فاحش نیستند، مثلاً اینکه سربازی قرصی از نان را از یک منطقه اشغال شده بدزدد، لذا نقض فاحش در اینجا صورت نگرفته است (پوربافرانی، ۱۳۹۹: ۲۴۹-۲۵۰).

۳-۴- از حیث مخاصمه مسلحانه: یکی از شرایط مهم تحقق جنایات جنگی این است که عمل ارتكابی به صورت مخاصمه مسلحانه ملی یا بین‌المللی اتفاق بی‌افتد. یعنی اینکه مخاصمه در حالت جنگ رسمی می‌تواند میان دو یا چند کشور روی دهد، فرقی نمی‌کند که یکی از طرف‌های جنگ حالت جنگ را تصدیق نکند. نکته مهم‌تر این است که اگر بدون جنگ و مقاومت کشوری اشغال شود باز هم مخاصمه مسلحانه محسوب خواهد شد (پوربافرانی، ۱۳۹۹: ۲۵۰-۲۵۲).

۴- مصادیق جنایات جنگی در حقوق کیفری ایران

قانونگذار ایران به صورت مستقل جنایات جنگی را در قوانین موضوعه تدوین نکرده است، ولی جرایمی که می‌تواند از جمله جنایات جنگی باشد در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون مجازات نیروهای مسلح ۱۳۸۲، تبارز یافته است. یعنی اینکه برخی از عناوین مجرمانه که در قوانین مذکور پیش‌بینی شده اگر در زمان جنگ اتفاق بی‌افتد، می‌تواند از جمله مصادیق جنایات جنگی به شمار آید. اما نکته قابل توجه اکثر حقوق‌دانان این است که جرایم ذکر شده در قانون مجازات اسلامی خارج از حالات جنگ را شامل می‌شود و باید گفت که جرم عمومی به‌شمار می‌روند نه مصادیق جنایات جنگی. بسیار از رفتارهای مجرمانه مانند حمله به اماکن غیر دولتی، آزمایش‌های زیست‌شناختی، زخمی یا کشتن نظامیان تسلیم شده، اجبار اسیر شدگان برای خدمت به دشمن، حمله و بمباران روستاها و شهرهای بدون دفاع،

کودکان زیر سن ۱۵ سال را به‌کارگرفتن، آسیب زدن به محیط زیست، غارت نمودن شهرها، عقیم کردن یا حاملگی اجباری، اعلام و انتشار رحم نکردن و... همه این موارد در حقوق کیفری ایران جایگاهی روشنی ندارد (سلیتی، ۱۳۸۹: ۴-۵). بنابراین می‌توان بیان داشت که نگاه قوانین کیفری ایران، نگاه امنیتی داخلی و درونی است. هدف این قوانین در حقیقت حفظ انسجام و قدرت داخلی بوده و جرایم پیش‌بینی شده از جمله جرایمی به‌شمار می‌روند که اصولاً علیه دولت و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران از طریق تضعیف نیروهای نظامی واقع می‌شود، لذا نتیجه می‌گیریم که این اعمال جنایتکارانه در تعریف جنایات جنگی شامل نشده و جایگاهی ندارد، چون تمرکز بر امنیت داخلی داشته و بیشتر آن، از مصادیق جرایم علیه امنیت داخلی و حاکمیت و آسایش عمومی می‌باشد (سعادت، ۱۳۹۷: ۱۲۴-۱۲۸). شاید بتوان جرم موضوع ماده ۳۵ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح را از جمله مصادیق جنایات جنگی عنوان کرد. این ماده هنگامی که دستور توقف جنگ داده شد ولی یک نظامی اعتناء نکرده و به جنگ ادامه دهد، جرم محسوب گردیده است، ولی نکته قابل تمرکز اینجا است که تحقیق چنین جرمی را منوط به شکست جبهه اسلام، اخلال نظام و برهم خوردن امنیت دانسته است که این قید نمودن، ماده ۳۵ قانون مذکور را از دایره جنایات جنگی خارج می‌کند (حکیمی‌ها و ضیایی، ۱۳۹۲: ۱۵۷-۱۵۸). در نهایت می‌توان بیان داشت که عدم تدوین و جرم‌انگاری جنایات جنگی باعث می‌شود محاکم در صورت رسیدگی به جنایات جنگی با استفاده از صلاحیت جهانی به مشکل روبه‌رو شود.

به طور نمونه می‌توان از جرم نسل‌کشی که یکی از مصادیق جنایات بین‌المللی است نام برد. در قوانین کیفری ایران جرم نسل‌کشی نه تنها که برایش مجازات پیش‌بینی نشده، حتی جرم‌انگاری هم نگردیده است. شاید دلیل عدم اقدام

جرم جنگی، مجازات جرم جنگی و بیان جرایم در حکم جرایم جنگی) مورد بررسی و مطالعه قرار داد:

۵-۱- ارتکاب جرم جنگی

ماده ۳۳۷ کود جزا^۱ با پذیرفتن احکام کنوانسیون ژنو، مصادیق جنايات جنگی را پیش‌بینی نموده و مرتکبین آن را مستحق مجازات دانسته است. قتل عمد، شکنجه، تخریب، ضبط گسترده اموال، مجبور نمودن اسیران جنگی به خدمت به نیروهای متخاصم، محروم کردن عمدی اسیران جنگی از رسیدگی به محاکمه عادلانه، گروگان‌گیری، اخراج، انتقال غیر قانونی و یا حبس غیر قانونی، همه موارد مذکور را از جمله مصادیق جنايات جنگی برشمرده است. یعنی هرگاه موارد پیش‌بینی شده در ماده مذکور انجام پذیرد در حقیقت شخص، مرتکب رفتار جنايات جنگی شده و شامل مفاد ماده ۳۳۷ کود جزا خواهد شد. بنابراین هرگاه شخص رفتاری را انجام دهد که شامل موارد پیش‌بینی شده در ماده مذکور نباشد نمی‌توان آن را به اتهام ارتکاب جرایم جنگی مجازات نمود. باید گفت که مرتکب جرم جنگی لزوماً باید انسان باشد، یعنی اگر موجود غیر انسان رفتاری را انجام دهد که

قانونگذار این بوده که مطابق ماده ۹ قانون مدنی، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری که ایران در آن عضو می‌باشد به‌متابه قانون عادی قلمداد نموده و مواد اساسنامه مذکور را قابلیت اجرایی در حوزه جغرافیایی کشور ایران داده است. چنین اقدام قانونگذار جهت عدم جرم‌انگاری جنايات نسل‌کشی، شاید موجه باشد، اما عدم تعیین مجازات شاید بتوان گفت یک خلأ بزرگ به‌شمار می‌رود چون اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نسل‌کشی را فقط جرم‌انگاری نموده و از جمله مصادیق جنايات جنگی برشمرده است، ولی مجازات برای آن تعیین ننموده لذا اگر دادگاه با صلاحیت کشور ایران بخواهد مرتکبین جنايات نسل‌کشی را مجازات کند مطابق کدام قانون و چه نوع مجازاتی برای آن صادر خواهد نمود، پاسخ این سؤال در چنین شرایطی دشوار خواهد بود (اردبیلی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲-۳).

۵- مصادیق جنايات جنگی در حقوق کیفری افغانستان

منظور از جرم‌انگاری و بیان مصادیق جرایم جنگی آن است که به بشر بیان کند که ممکن است حق کشتن انسان را داشته باشد، اما عملکرد و رفتار، باید انسانی و با مروت باشد نه اینکه وحشیانه و درنده‌خویانه بکشید (بنیاد آسیا، ۱۳۹۸: ۳۳۰-۳۲۹). قانونگذار افغانستان برخلاف سیاست قانونگذار کشور جمهوری اسلامی ایران در سال (۱۳۹۶) برای نخستین‌بار یک فصل مستقلی را در کود جزا برای بیان مصادیق و مجازات جنايات جنگی اختصاص داده است، چون در قانون جزای سابق (۱۳۵۲) افغانستان، خبری از مجازات جنايات جنگی نبود از لحاظ رسیدگی به جنايات جنگی محاکم افغانستان نمی‌توانستند احکام عادلانه مدون صادر نمایند که با تدوین و تصویب کود جزا چنین خلای قانونی برطرف گردید.

برای تخصصی وارد شدن به این مسأله می‌بایست جرایم جنگی را در حقوق کیفری افغانستان از سه جهت (ارتکاب

^۱ ماده ۳۳۷، کود جزا: ارتکاب یکی از اعمال ذیل که علیه اشخاص یا اموال تحت حمایت احکام مندرج کنوانسیون ژنو صورت گیرد، جرم جنگی شناخته می‌شود:

- قتل عمدی؛
- شکنجه یا رفتار غیر انسانی از جمله آزمایش‌های بیولوژیکی؛
- وارد کردن عمدی درد و رنج شدید یا آسیب جدی به بدن یا سلامت اشخاص؛
- تخریب و ضبط گسترده اموال که ضرورت‌های نظامی را توجیه نمی‌کند و به صورت غیر قانونی و خودسرانه صورت گرفته باشد؛
- مجبور ساختن اسیر جنگی یا سایر اشخاص مشمول حمایت کنوانسیون ژنو، به خدمت در نیروهای متخاصم؛
- محروم کردن عمدی اسیر جنگی یا سایر اشخاص مشمول حمایت، از حق برخورداری از محاکمه عادلانه و قانونی؛
- اخراج یا انتقال غیر قانونی یا حبس غیر قانونی؛
- گروگان‌گیری.

باعث ارتکاب یکی از مصادیق جنایات جنگی گردد، نمی‌توان ادعا نمود که جرم جنگی اتفاق افتاده است (بنیاد آسیا، ۱۳۹۸: ۳۳۱).

۵-۲- مجازات جرم جنگی

قانونگذار در ماده ۳۳۸ کود جزا برای مرتکبین جنایات جنگی مجازات اعدام، حبس دوام درجه یک، حبس دوام درجه دو و حبس طویل پیش‌بینی نموده است. ماده مذکور چنین مقرر می‌دارد: «مرتکب جرم جنگی ماده ۳۳۷ این قانون طور ذیل مجازات می‌گردد: ۱- در صورت ارتکاب جرم مندرج جزء ۱ به اعدام. ۲- در صورت ارتکاب یکی از جرایم مندرج اجزای ۲ و ۳، به حبس دوام درجه ۱. ۳- در صورت ارتکاب یکی از جرایم مندرج اجزای ۴ تا ۶ به حبس دوام درجه ۲. ۴- در صورت ارتکاب یکی از جرایم مندرج اجزای ۷ و ۸، به حبس طویل». بنابراین از مفاد ماده مذکور معلوم می‌شود که هرگاه شخصی مرتکب قتل عمدی در هنگام جنگ گردد مجازات آن اعدام خواهد بود چون قتل عمد مطابق ماده ۳۳۷ کود جزا از جمله مصادیق جرایم جنگی به شمار رفته و شدیدترین مجازات که (اعدام) است برای مرتکب اعمال می‌گردد (بنیاد آسیا، ۱۳۹۸: ۳۵۳-۳۵۴). اما اگر شخص، فردی را مورد شکنجه قرار داده و رفتار غیر انسانی از جمله آزمایش‌های بیولوژیکی را انجام دهد و یا درد و رنجی را به صورت عمدی که باعث آسیب شدید به بدن و یا سلامت شخص می‌شود مرتکب شود در این حالت قانونگذار برای مرتکب، حبس دوام درجه (۱) را که همانا حبس پیش از بیست سال الی سی سال می‌باشد پیش‌بینی نموده است. سؤالی که به عنوان یک ایراد پرسش می‌شود این است که منظور قانونگذار از ارتکاب اعمال فوق فقط در زمان جنگ است و یا غیر حالت جنگ را نیز شامل می‌شود؟ در پاسخ این سؤال، قانون ساکت است و غیر از حالت جنگ را نیز شامل می‌شود که اگر چنین تفسیر را قبول نماییم در حقیقت مرجع قضایی و نهاد اجرای را به چالش و تورم قضایا روبه‌رو

خواهیم دید که نتیجه آن عدم تطبیق عدالت و محکمه ناعادلانه خواهد بود. قانونگذار برای مرتکب فقره‌های ۴ الی ۶ ماده ۳۳۷، مجازات حبس دوام درجه دو را که همانا حبس پیش از شانزده الی بیست سال می‌باشد پیش‌بینی نموده است. نکته قابل بحث اینجا است که قانونگذار در فقره ۴ ماده ۳۳۷، عبارت (ضبط گسترده اموال) را قید نموده و در عین حال غیر قانونی و خود سرانه بودن را نیز شرط دانسته است، یعنی اگر ضبط غیر قانونی و خودسرانه صورت گرفت، اما گسترده نبود، در این حالت آیا شخص، مرتکب جرم جنگی شده است یا خیر، در پاسخ می‌توان گفت که قانونگذار (گسترده بودن) را شرط دانسته و از همین لحاظ اگر ضبط گسترده نباشد شامل مفاد این ماده نخواهد شد. از طرف دیگر قانونگذار معیار سنجش گسترده بودن را در ضبط مشخص ننموده که این خود سؤالی است بدون پاسخ.

۵-۳- جرایم در حکم جرایم جنگی

قانونگذار افغانستان با وجود آنکه در ماده ۳۳۷ کود جزا مصادیق جرایم جنگی را با قبول کنوانسیون ژنو بیان کرده است، اما در ماده ۳۳۹ نیز جرایمی را به عنوان مصادیق جنایات جنگی برشمرده است. بنابراین جهت مستند نمودن مبحث، لازم می‌نماید متن ماده مذکور را در این قسمت درج نموده و در ادامه نکات برجسته آن را مورد بررسی قرار دهیم. مطابق ماده ۳۳۹ قانون فوق (۱) «ارتکاب یکی از اعمال ذیل در ارتباط با منازعه مسلحانه که نقض قوانین و عرف حقوق بین‌المللی حاکم بر منازعه مسلحانه می‌باشد، در حکم جرایم جنگی شناخته می‌شود:

۱- هدایت عمدی حملات علیه اشخاص غیرنظامی به صورت عموم یا اشخاص غیرنظامی‌ای که مشارکت مستقیم در منازعه مسلحانه نداشته باشند؛

۲- هدایت عمدی حملات علیه اهداف غیر نظامی؛

بیمار یا مجروح، می‌گردد. مشروط بر این که این محلات اهداف نظامی نباشد؛

۱۰- قطع عضو بدن شخص که تحت سلطه نیروی متخاصم قرار دارد یا انجام هر گونه آزمایش‌های طبیی یا علمی بالای وی که از نظر طبیی، طب دندان یا تداوی شفاخانه فرد مورد نظر قابل توجیه نباشد و یا انجام آن منفعت برای وی در بر نداشته باشد و سبب مرگ یا به مخاطره انداختن سلامت شخص گردد؛

۱۱- کشتن یا زخمی ساختن افراد متعلق به کشور یا نیروهای نظامی متخاصم به صورت خائنه و بی‌رحمانه؛

۱۲- اعلان این مطلب که هیچ کسی در امان نخواهد بود؛

۱۳- تخریب یا ضبط اموال دشمن، مگر این که ضرورت‌های جنگی چنین تخریب یا ضبط را ایجاب نماید؛

۱۴- اعلام الغا، تعلیق یا عدم اعتبار حقوق و اقدامات حقوقی اتباع طرف متخاصم در محاکم؛

۱۵- وادار نمودن اتباع کشور متخاصم به شرکت در عملیات جنگی بر علیه کشور خودشان حتی اگر آنان پیش از شروع جنگ در خدمت کشور متخاصم بوده باشند؛

۱۶- غارت و چپاول شهر یا محل، گرچه آن محل به وسیله حمله اشغال شده باشد؛

۱۷- به کارگیری زهر یا سلاح‌های زهری؛

۱۸- به کارگیری گازهای خفه‌کننده، زهری یا سایر گازها و تمامی مایعات، مواد یا ابزار مشابه؛

۱۹- استفاده از مرمی‌هایی که به آسانی در بدن انسان منبسط یا پخش می‌شوند مانند مرمی‌های دارای پوش سخت که به طور کامل قسمت مرکزی مرمی را نمی‌پوشاند یا با ایجاد شگاف در بدن نفوذ می‌کند؛

۳- هدایت عمدی حملات عمدی علیه کارکنان، تأسیسات، مواد، واحدها یا وسایط نقلیه هوایی یا زمینی مربوط به کمک‌رسانی بشردوستانه یا مأموریت‌های حفظ صلح به موجب منشور ملل متحد در صورتی که مورد حمایت میثاق‌های ژنیو و پروتوکول مربوط آن باشند؛

۴- اجرای حمله عمدی با علم به این که چنین حمله باعث تلف شدن یا وارد نمودن صدمه به اشخاص غیر نظامی یا تخریب اهداف غیرنظامی یا خسارت شدید، گسترده و درازمدت به محیط زیست می‌شود که در مقاسیه با مجموع منافع نظامی مستقیم و قطعی پیش‌بینی شده، بیش از حد باشد؛

۵- حمله یا بمباران شهرها، قریه‌ها، محلات مسکونی یا ساختمان‌های که بی‌دفاع بوده و اهداف نظامی نباشند؛

۶- کشتن یا مجروح کردن نظامی که دست از جنگ کشیده یا دواطلبانه تسلیم شده یا وسیله برای دفاع از خود ندارد؛

۷- سوءاستفاده از بیرق آتش بس یا صلح یا بیرق، نشان یا یونیفورم دشمن یا سازمان ملل متحد یا علائم مشخصه کنوانسیون‌های ژنیو، به طوری که سبب مرگ یا آسیب شدید اشخاص شود؛

۸- انتقال مستقیم یا غیر مستقیم بخشی از جمعیت غیرنظامی کشور اشغالگر به قلمرو کشور اشغال شده، یا انتقال تمامی بخشی از جمعیت کشور اشغال شده در داخل کشور یا اخراج آن‌ها به خارج از کشور اشغال شده؛

۹- هدایت عمدی حملات علیه ساختمان‌هایی که به اهداف مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه اختصاص داده شده و شامل مکاتب، مساجد، مدارس و سایر اماکن متبرکه، بناهای تاریخی، شفاخانه‌ها و مکان‌های جمع‌آوری اشخاص

قانونگذار با بیان این ماده طولانی به صورت واضح و با جزئیات خواسته است تمام مصادیق جنایات جنگی را در حوزه حقوق کیفری افغانستان روشن بسازد. این اقدام قانونگذار قابل تمجید است اما در بعضی از قسمت‌های ماده مذکور دچار بیان تکرار موضوع شده و اصول قانون‌نگاری را نقض کرده است، که یکی از آن موارد می‌تواند موضوع فقره ۹ و فقره ۲۴ ماده مذکور باشد، چون قانونگذار در هر دو فقره از هدایت حملات عمدی علیه ساختمان‌ها و... یاد کرده است که چنین تکراری با هدف بیان یک موضوع، می‌تواند ناقض اصول قانون‌نگاری شمرده شود.

۵-۴- جرایم جنگی غیر بین‌المللی در کود جزا

قانونگذار در کنار بیان مصادیق جنایات جنگی در کود جزا، بعضی از رفتارهای دیگری را که جنبه بین‌المللی نداشته و در منازعه مسلحانه واقع شود به عنوان مصادیق جنایت جنگی برشمرده و مرتکب آن را مستحق مجازات دانسته است، یعنی افراد که در منازعات مسلحانه به صورت فعال شرکت ندارد هرچند اعضای نیروهای مسلح نظامی بوده و از جنگ دست کشیده و یا به علت بیماری، مجروحیت و یا اسارت از جنگیدن معذور باشند در این صورت اگر مورد تجاوز قرار گرفت مرتکب آن مستحق مجازات جنایات جنگی خواهد شد.^۱

۲۰- به‌کارگیری سلاح، راکت مواد و روش‌های جنگی که طبیعتاً سبب ایجاد جراحات اضافی یا درد و رنج بی‌مورد شود یا ذاتاً غیر قابل کنترل و ناقض قوانین بین‌المللی منازعات مسلحانه باشند. مشروط بر این که به‌کارگیری آن‌ها به کلی ممنوع بوده و از طریق تعدیلات مربوط به احکام مندرج مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ ضمیمه الحاقی اساسنامه دیوان جزایی بین‌المللی شده باشند؛

۲۱- تجاوز به کرامت انسانی، خصوصاً رفتارهای تحقیرآمیز و توهین‌آمیز؛

۲۲- تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، اجبار به فحش‌های جنسی، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری یا هر نوع خشونت جنسی که موجب نقض جدی کنوانسیون‌های ژنیو گردد؛

۲۳- استفاده از حضور اشخاص غیرنظامی یا سایر اشخاص محافظت شده، جهت مصون نگه‌داشتن نقاط، محلات یا نیروهای نظامی معین، در مقابل عملیات نظامی؛

۲۴- هدایت عمدی حملات علیه ساختمان‌ها، وسایل، واحدها و وسایل نقلیه طبی، به اشخاصی که نشان‌های مشخص کنوانسیون‌های ژنیو را مطابق حقوق بین‌الملل به کار می‌برند؛

۲۵- تحمیل عمدی گرسنگی بر غیر نظامیان به حیث روش جنگی به وسیله محروم ساختن این اشخاص از مواد حیاتی که برای بقای آن‌ها ضروری است، از قبیل جلوگیری خودسرانه از رسیدن کمک‌های امدادی پیش‌بینی شده در کنوانسیون‌های ژنیو؛

۲۶- استخدام اجباری یا دواطلبانه اطفال زیر سن ۱۵، در نیروهای مسلح یا بکار گرفتن آن‌ها برای مشارکت فعال در «مخاصمات».

^۱ - ماده ۱۴۰، کود جزا: (۱) در صورت بروز مخاصمات مسلحانه که جنبه بین‌المللی ندارد، ارتکاب یکی از اعمال ذیل در منازعه مسلحانه، علیه اشخاصی که در منازعه مسلحانه به صورت فعالانه شرکت ندارد مانند اعضای نیروهای مسلح که دست از جنگ کشیده‌اند، اشخاصی که به علت بیماری، مجروحیت یا اسارت یا دلایل دیگر از جنگ معذور محسوب می‌شوند، نیز جرم جنگی شناخته می‌شود:

- خشونت علیه تمامیت جسمی شخص مانند قتل، قطع عضو، رفتارهای ظالمانه یا شکنجه.

- اهانت شدید به کرامت انسان به خصوص رفتارهای تحقیرآمیز.

- گروه‌گان‌گیری.

۶- ارکان اساسی جنایات جنگی در حقوق ایران و افغانستان

ارکان جنایات جنگی در سطح ملی و بین‌المللی مشخص‌کننده حوزه کاربرد صلاحیت‌های رسیدگی به جنایات جنگی می‌باشد. لذا در این قسمت از مبحث سه رکن اساسی جنایات جنگی را به طور مقاسیه با حقوق ایران و افغانستان مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۶- رکن قانونی جنایات جنگی

قبل از اینکه رکن قانونی جنایات جنگی در حقوق ایران و افغانستان را بررسی نماییم لازم است که رکن قانونی جنایات جنگی در سطح بین‌المللی روشن گردد، چون نظام حقوقی کشور ایران و افغانستان به صورت قطعی اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری را پذیرفته‌اند. لذا در سطح بین‌المللی می‌توان اسنادی مثل اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، اساسنامه دادگاه نورنبرگ و توکیو، اساسنامه دادگاه یوگسلاوی (سابق)، جنایات جنگی مندرج در اساسنامه دادگاه رواندا و به طور کل قواعد و مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی را از جمله ارکان قانونی جنایات جنگی در سطح ملی و بین‌المللی به‌شمار آورد. در حقوق کیفری ایران از آنجایی که به صورت مستقل جنایات جنگی جرم‌انگاری نشده است لذا فقط می‌توان رکن قانونی جنایات جنگی را با ماده ۹ قانون مدنی^۱ و ماده ۳۵ قانون جرایم نیروهای مسلح^۲ استناد نمود (صادقی، ۱۳۸۸: ۱۳۳-۱۲۶).

رکن قانونی جنایات جنگی در حقوق کیفری افغانستان به صورت روشن و واضح در کود جزا تبارز یافته است. قانونگذار افغانستان در باب دوم، فصل سوم این کود که در سال ۱۳۹۶ به تصویب رسید تکلیف جنایات جنگی را با ذکر مصادیق و مجازات آن‌ها مشخص و روشن نموده است، در ماده ۳۳۷ چنین آمده است: «ارتکاب یکی از اعمال ذیل که علیه اشخاص یا اموال تحت حمایت احکام مندرج کنوانسیون ژنیو صورت گیرد، جرم جنگی شناخته می‌شود:

- قتل عمدی؛

- شکنجه یا رفتار غیر انسانی از جمله آزمایش‌های بیولوژیکی؛

- وارد کردن عمدی درد و رنج شدید یا آسیب جدی به بدن یا سلامت اشخاص؛

- تخریب و ضبط گسترده اموال که ضرورت‌های نظامی را توجیه نمی‌کند و به صورت غیر قانونی و خودسرانه صورت گرفته باشد؛

- مجبور ساختن اسیر جنگی یا سایر اشخاص مشمول حمایت کنوانسیون ژنیو، به خدمت در نیروهای متخاصم؛

- محروم کردن عمدی اسیر جنگی یا سایر اشخاص مشمول حمایت، از حق برخورداری از محاکمه عادلانه و قانونی؛

- اخراج یا انتقال غیر قانونی یا حبس غیر قانونی؛

- گروگان‌گیری».

می‌توان ادعا کرد که ماده مذکور به صورت دقیق ارکان قانونی جنایات جنگی را در نظام کیفری افغانستان واضح و روشن ساخته است (بنیاد آسیا، ۱۳۹۸: ۳۳۴).

۶-۲- رکن روانی جنایات جنگی

اگر به دید کلی نگاه کنیم رکن روانی در همه جرایم می‌تواند یکسان باشد. مثلاً در جرایم قتل، سرقت، جعل و... رکن روانی عبارت است از رابطه فکری و ذهنی عمل

- صدور حکم مجازات و اجرای اعدام بدون موجودیت حکم قبلی صادر شده از طرف محکمه‌ای که به طور قانونی تشکیل شده است و تمام تضمین‌های قضایی ضروری را تأمین نماید.

^۱ - قانون مدنی، ماده ۹: «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است».

^۲ - هر یک از فرماندهان یا مسؤولان نظامی که پس از دریافت دستور توقف عملیات جنگی، عملیات را ادامه دهد در صورتی که عمل وی موجب اخلال در نظام (به هم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد به مجازات محارب و در غیر این صورت به دو تا ده سال حبس محکوم می‌شود.

مجرمانه با فاعل جرم بوده که میزان فکر ذهنی مرتکب، اندازه عملکرد مرتکب را مشخص می‌سازد. یعنی این‌که آیا فاعل عمل مجرمانه رفتار واقع شده خلاف را می‌خواسته است یا خیر (کریمی و هاشمی، ۱۳۹۸: ۷۵-۷۶). از همین جهت در جنایات جنگی نیز این گونه می‌توان بیان داشت که مرتکب آیا رفتار جنایت‌کارانه را می‌خواسته است یا خیر. رکن روانی جنایات عمدی در اسناد بین‌المللی مثل اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز بیان شده است. ماده ۳۰ این اساسنامه به عنوان یک قاعده کلی و عمومی در مورد همه جرایم و جنایات بین‌المللی قابلیت استفاده را دارد (قیاسی و قلاتی، ۱۳۹۶: ۱۵۵). بعضی از حقوق دانان جهت تخصصی وارد شدن به مسأله جنایات جنگی رکن روانی این جنایت را دارای دو جزء می‌دانند:

- عمد و در بعضی موارد نوعی از بی‌تفاوتی.

- به وجود حالت مخاصمه علم داشتن.

مفهوم عمد در این‌جا همان قسمی که از معنای کلمه پیدا است مشخص می‌باشد. یعنی اینکه مرتکب جنایت جنگی از روی اراده و با سوء نیت باعث نقض فاحش ارزش‌ها و حقوق بین‌الملل شده است و این رفتار او کافی است جهت تحقق جنایت جنگی. مثلاً فرمانده جنگی می‌داند و یا حتی حدس می‌زند که افراد تحت امرش مرتکب جنایت جنگی می‌شود، ولی جهت کنترل آن‌ها هیچ اقدامی را انجام نمی‌دهد، لذا این رفتار او چه از روی عمد باشد و چه از روی بی‌تفاوتی در هر دو حالت مرتکب جنایت جنگی شده است (پوربافرانی، ۱۳۹۹: ۲۵۷-۲۵۸).

جرایم همان قسمی که در حقوق داخلی، دارای سوءنیت عام و سوءنیت خاص است در جرایم جنگی و بین‌المللی نیز دارای این دو نوع سوءنیت می‌باشد، یعنی مرتکب به قصد کشتن دیگری، طرف را زد، در این حالت (قصد زدن) سوءنیت عام بوده و (کشتن) سوءنیت خاص خواهد بود. در

جرایم جنگی نوع سوءنیت نظر به عمل مجرمانه فرق می‌کند. به عنوان مثال اگر جرایم جنگی از جمله جرایم بین‌المللی باشد، یعنی مرتکب انگیزه نابودی یک گروه یا قوم و یا یک دسته خاصی را داشته باشد در این حالت قصد مرتکب می‌تواند سوءنیت خاص باشد، چون همیشه سوءنیت خاص تنها بر روی انسان نبوده بلکه اجتماع خاصی را نیز شامل می‌شود (بیگلری و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۷). سوءنیت به صورت کلی در نظام حقوقی افغانستان و ایران در کنار رکن روانی استعمال شده و به آن دسته از رفتارهای تلقی می‌شود که قانونگذار آن را به عنوان جرم شناخته و جرم‌انگاری نموده باشد. یعنی هرگاه مرتکب به انجام عمل خلاف قانون علم داشت در حقیقت مرتکب، سوءنیت داشته و نمی‌تواند از آن انکار نماید. بنابراین هرگاه شخصی مرتکب جرایم جنگی گردد و سوءنیت او از هر نوعی که باشد اثبات شود در این حالت مسؤول بوده و مجازات خواهد شد (رستمیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۴).

۳-۶- رکن مادی جنایات جنگی

جنایات جنگی یا همان پدیده جنگ که به عبارت دیگر منازعات مسلحانه نیز می‌گویند همه با یکدیگر مرتبط هستند و ممکن است هر شخصی مرتکب آن شود. فرقی نمی‌کند آن شخص نظامی باشد و یا هم غیر نظامی (کریانگ ساک، ۱۳۸۳: ۲۵۸). هر فعل و ترک فعلی که منجر به نقض قواعد و مقررات ملی و بین‌المللی گردد در واقع رکن مادی جرم اتفاق افتاده است (صادقی، ۱۳۹۲: ۱۹۲). در حقوق کیفری ایران به صورت کلی آمده است که رکن مادی جرم نه‌تنها با فعل مثبت بلکه با ترک فعل و یا فعل منفی نیز می‌تواند اتفاق بی‌افتد. لذا هرگاه رفتار مرتکب جنایت جنگی شرایط ذکر شده را داشته باشد می‌توان گفت که رکن مادی جنایت جنگی واقع شده است. در حقوق کیفری افغانستان نیز رکن مادی جرم را در ماده ۳۳ کود جزا

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: نگارش مقاله توسط نویسنده اول انجام گرفته و نظارت بر آن برعهده نویسنده دوم بوده است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- اردبیلی محمد علی؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر و فخرناب، حسین (۱۳۸۵). «نسل‌کشی و ضرورت جرم‌انگاری آن در حقوق ایران». *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۱۰(۳): ۱-۲۵.
- ازغندی، علیرضا و روشندل، جلیل (۱۳۷۸). *مسائل نظامی و استراتژیک معاصر*. تهران: انتشارات سمت.
- بنیاد آسیا (۱۳۹۸). *شرح کود جزا، جلد دوم، چاپ اول، افغانستان: چاپ‌خانه سعید*.
- بیگلری، پویان و همکاران (۱۳۹۵). «بررسی عنصر روانی در حقوق کیفری بین‌المللی». *تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، ۹(۳۴): ۵۳-۸۱.
- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۹). *حقوق جزای بین‌الملل*. چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات جنگل.
- جوانی، جمشید (۱۳۹۳). *بررسی جنایات جنگی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- حکیمی‌ها، سعید و ضیایی، سیدباسر (۱۳۹۲). «صلاحیت جهانی در جرایم جنگی از منظر حقوق ایران». *فصلنامه آفاق امنیت*، ۵(۲۱): ۱۵۷-۱۵۸.

عبارت ارتکاب عمل مخالف قانون یا امتناع از اجرای عمل دانسته است که قانون به آن حکم داده باشد، یعنی به نحوی که ارتکاب و یا امتناع منجر به نتیجه جرمی گردد و رابطه سببیت میان عمل مرتکب و نتیجه موجود باشد.

نتیجه‌گیری

جنایات جنگی تا به قبل از سال ۱۳۹۶ در قوانین کیفری افغانستان به صورت مستقل و عنوان واحد تدوین نگردیده بود، حتی در قانون مجازات سال ۱۳۵۲ که تا قبل تصویب کود جزا قابلیت اجرایی داشت، خبری از مجازات مرتکبین جنایات جنگی نبود، اما قانونگذار برای نخستین بار در سال ۱۳۹۶ فصل مستقلی را تحت عنوان (جرایم جنگی) که شامل چهار ماده می‌باشد تصویب نمود. قانونگذار در ماده ۳۳۷ کود فقط با بیان مصادیق جنایات جنگی اکتفاء نموده و مرتکبین آن را مستحق مجازات جنایت جنگی دانسته است. خوب می‌بود که قانونگذار قبل از بیان مصادیق جنایات جنگی، جنایت جنگی را تعریف نموده و دایره تفاسیر مختلف را محدود می‌نمود. هر چند شاید عدم تعریف جنایت جنگی یک خلای قانونگذاری به‌شمار آید، اما دست‌آورد و تقسیم بندی و پیش‌بینی مجازات برای مرتکبین جنایات جنگی یک اقدام نیک و تاریخی در نظام قانونگذاری افغانستان می‌تواند محسوب شود. جنایات جنگی در حقوق کیفری ایران به صورت مستقل جرم‌انگاری نشده و مرتکب جنایات جنگی را مطابق به اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مورد رسیدگی قرار خواهد داد. اما قانونگذار افغانستان برخلاف قانونگذار کشور ایران در کود جزا ۱۳۹۶ جنایات جنگی را به صورت مستقل جرم‌انگاری نموده و مرتکب آن با اطاعت از اسناد بین‌المللی مطابق کود جزا مجازات می‌نماید.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

- قیاسی، جلال‌الدین و محترم قلاتی، ایمان (۱۳۹۶). «تحلیل رکن محور رکن معنوی جنایات عمدی در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی». پژوهش حقوق کیفری، ۶(۲۱): ۱۵۴-۱۹۶.

- کریانگ ساک، کیتی شیایزری (۱۳۸۳). حقوق بین‌المللی کیفری. ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: انتشارات سمت.

- کریمی، عبدالوهاب و هاشمی، غازی (۱۳۹۸). حقوق جزای اختصاصی. جلد اول، کابل: نشر بنیاد آسیا.

- هادی، سعادت (۱۳۹۷). بررسی حقوقی قتل عام در ایران مطالعه موردی سردشت. پایان نامه کارشناسی ارشد، ارومیه: دانشگاه ارومیه.

- رستمیان، پیمان؛ حجاریان، محمدحسین و موذن زادگان، حسنعلی (۱۳۹۸). «بررسی سوءنیت در اقسام جنایت در فقه و حقوق ایران». فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل (علمی-پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی)، ۱۲(۴۴): ۹۳-۱۱۹.

- سلیتی، رحیم (۱۳۸۹). ضرورت جرم‌نگاری جنایات جنگی در قوانین کیفری ایران، سازمان قضایی نیروهای مسلح. نمایه شده در <http://www.imj.ir/index.php?option=com>

- صادقی، میرمحمد (۱۳۸۸). دادگاه کیفری بین‌المللی. چاپ چهارم، تهران: انتشارات دادگستر.

- صادقی، میرمحمد (۱۳۹۲). جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. چاپ بیست و چهارم، تهران: نشر میزان.

- قدیر، محسن و کیخسروی، مهدی (۱۳۹۸). «جنایت جنگی و برهم‌کنش آن با جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی». آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۶(۱۷): ۸۰-۸۱.